

**نویسنده:** مسعود ودان (Masud Wadan) .

**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2019-03-16».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

## مذاکرات ایالات متحده امریکا با طالبان تجدید اشغال افغانستان توسط ایالات متحده است

The US- Taliban talks are “Renewing” the US  
occupation of Afghanistan



**گزارش از کابل:** ایالات متحده از هفته ها در پایتخت قطر، دوحه، یک کمپین "مذاکره صلح" را با طالبان مدیریت می کند. **زلمی خلیلزاد**، نماینده ویژه ایالات متحده در مورد آشتی ملی و همبستگی با افغانستان، جزئیات دقیق مذاکرات با طالبان را از طریق حساب توئیتر خود اعلام و به نشر می سپارد. و هیچ روزنامه نگار یا خبرنگار افغان یا خبرنگار بیرونی را اجازه نمیدهد که گزارشات دقیقی از جلسات واقعی مذاکره را بگونه باز از طریق ارتباط جمعی انعکاس دهند

این "پروژه صلح" برای هفته ها به طول انجامید و هیچ تضمینی وجود ندارد که نتیجه مذاکرات ایالات متحده و طالبان به دلخواه مردم افغانستان پایان یابد. ممکن است که مذاکرات ماه ها به علت اختلافات اساسی با مشکل مواجه شود.

تا ریخ بما میگوید که چنین مذاکرات نمادین ؛ ما را توام با سخنان میان تهی ولفاظی های فریب آمیز به یک جنگ ویا بحران دیگر فریب میدهد؛ ما صرف در رسانه ها دیده ویا شنیده ایم که چندین دور مذاکرات تاکنون بین نماینده امریکا و طالبان صورت گرفته است ؛ اما ؛ ما شاهد هیچ پیشرفت عملی ویا از صحنه های واقعی این مذاکرات نیستیم واین خود به همان سان یک فریب است که هواپیماهای جنگی ایالات متحده امریکا به بهانه ای درجنگ علیه داعش در سوریه در سال های جنگ بالای دشت های خشک ویا برهنه ای آن کشور بمبارد میکرد؛ ولی رسانه های مزدور موضوع را وارونه انعکاس دادند . بنا بر آن این مذاکرات معادل جلسات شخصی یا خصوصی بین طالبان و ایالات متحده امریکا است که هیچ یک از این مذاکرات در داخل قلمرو افغانستان صورت نگرفته است ویا هیچ یک از این مذاکرات مورد نگرانی واقعی مردم افغانستان هم نیست .

در « 12 » ما رس، مذاکرات دوجانبه بدون هیچ پیشرفتی برای یک معاهده صلح افغانستان به پایان رسید . پیشرفت معکوس در توافقنامه ، یعنی قطع ارتباطات طالبان با القاعده و « ISIS » بود که معامله بزرگ برای ناظران نیست . موارد دیگر دستور کار عبارتند از خروج نیروهای امریکایی و جلوگیری از استفاده از خاک افغانستان در برابر دیگران .

در حال حاضر، این تحولات را می توان به عنوان یک گزینه اضطراری برای سیاستگذاران ایالات متحده در نظر گرفت تا به صورت موضوع فوری در رابطه با موضوع جنگ خارجی در سیاست خارجی امریکا که بلافاصله پس از (11) سپتمبر صورت گرفت، که منجر به تهاجم غیرقانونی به افغانستان شد تهاجمی که پلان آن در ( 7 ) اکتبر سال (2001) چیده شده بود .

با توجه به این واقعیت که دستیابی به صلح آنقدر آسان نیز نخواهد بود ؛ اکنون ما در هفته سوم مذاکرات صلح آمیز میان ایالات متحده امریکا و طالبان بدون هیچکدام دستاوردی اساسی وارد شده ایم ؛ که این خود شبیه یک ماشین تبلیغاتی امریکا است که «**امکانات بی پایه**» را در میان افغان ها مطرح کرده است و همچنان این خود یک نمایش برای مردم امریکا است از اینکه ما جنگ را در ضدیت با طالبان از دست نداده ایم ویا جنگ را نباخته ایم .

میان مذاکرات صلح، به عنوان یک ناظر نزدیک، من می توانم شاهد افزایش خوش بینی و فریبندگی در رابطه با ایالات متحده در میان بسیاری از افغان ها که گمراه شده اند و نمی دانند که واقعیت های ناگسستنی در مورد جنگ ایالات متحده و **نا تو** وجود دارد میباشم . در این راستا، تبلیغات تبعیض آمیز است . این "**زندگی جدید**" را برای اشغال

افغانستان در افغانستان به ارمان می آورد.

آنچه که مردم بیش از حد خسته افغانستان در جنگ از مذاکرات صلح در دوحه بین امریکا و طالبان می خواهند یک آتش بس دائمی با مفهوم و ایجاد صلح برای پایان دادن تلفات روزانه در سراسر افغانستان می باشد.

رسانه های غربی بیشتر متمایل اند که خود را بیشتر برمسائل و موضوعات انتخاب شده مربوط به نشست های بین ایالات متحده و طالبان متمرکز سازند و از جمله بگونه مثال برپیشنهاد ایالات متحده امریکا به ارتباط جدول زمانی خروج پنجساله ای عساکر و پرسونل امریکا از افغانستان؛ درحالی که طرف مذاکره کنندگان طالبان اصرار دارند که تمام نیروهای اجنبی در مدت یکسال باید خاک افغانستان را ترک کنند.

حتی اگر خروج سربازان آمریکایی به تصویب نیز برسد، ولی هرگز که یک برنامه تمام عیار نخواهد بود. اداره ترامپ معتقد است که نیروهای بیشتر ایالات متحده در زمین به معنای هزینه کردن بودجه نظامی بزرگتری است یعنی که مصارف زیاد مالی را می خواهد که با پیداکاهش یا بد، همانطور که امریکا با تغییر بسیاری از برنامه های داخلی اش برای کاهش هزینه های بزرگ، دست بکار شد. پس ایالات متحده ممکن است تعداد سربازان را از (15000) تا (8000) کاهش دهد که به اندازه کافی برای حفظ عملیات در (9) مگا بیت یا (پایگاه های نظامی) در سراسر افغانستان به عنوان پاسخ دهی به منتقدان واکنش نشان دهد و یا که پاسخ می دهد.

به همین ترتیب، رئیس جمهور ترامپ دستور داده است که تعداد نیروهای امنیتی ایالات متحده در سفارت ایالات متحده در کابل را، که به (1400) نفر بالغ می شوند، جایگزین آنها با نیروهای آموزش دیده و وفادار افغان شود (یعنی افغان های که با امریکا وفادار اند امنیت سفارت امریکا را در کابل متعهد شوند). این طرح در زمینه های دیگر از جمله در پایگاه های نظامی است که به میلیون ها دلار برای واشنگتن کمک می کند.

این سیاست به اصطلاح کاهش هزینه ها در زمان اداره ترامپ اعلام شد و لزوماً به معنای خروج نیروهای آمریکایی و یا رها کردن حضور نظامی امریکا نیست. ترامپ گفت که وقتی به نیروهای آمریکایی در عراق رسیدگی می کنیم، نمی توانیم به عنوان پلیس بین المللی خدمت کنیم و از این کشورها دفاع کنیم، مگر اینکه اگر هزینه های نظامیان ما را آنها پرداخت کنند. او اشاره کرد:

ما در کشورهایایی حضور داریم که ممکن است شما نام آنها را نفهمید، مضحک نیست» پیرامون مذاکرات در دوحه بین امریکا و طالبان وزیر امور خارجه ایالات متحده **مایک پومپئو** گفت، او امیدوار است که پیشرفت های کافی در بحث ها قبل از سفر اش در

چند هفته آینده وجود داشته باشد تا که سخنرانی او "حرکت بیشتر" را در قبال داشته باشد البته، نظرات او به معنای وزن کردن وضع مذاکرات در پشت آن بود. اما دیدگاه‌های او مخالف سخنان قبلی‌اش بود از اینکه او طالبان را "گروه تروریستی" نامیده بود وی در سخنرانی خود در مورد کشا و رزان آینده آمریکا گفت:

من اکنون یک تیم در روی زمین دارم که در حال تلاش برای مذاکره با تروریست‌های طالبان در افغانستان هستم، در تلاش برای یافتن راهی برای رسیدن به افغانستان که در آنجا جنگ؛ درگیر به خشونت نباشد و در عین زمان هیچ کدام تهدیدی در آینده برای ایالات متحده نباشد.

این تبلیغات به رهبری ایالات متحده آمریکا همچنین به هدف گنج کردن و مشوش ساختن هر دو یعنی رهبران ملی و بین‌المللی به ارتباط جنگ موجوده افغانستان است، ایالات متحده آمریکا در این مورد بگونه‌ای باید کار کند تا حمایت اتحادیه اروپا را از جنگ در افغانستان حفظ کند چونکه آنها با توجه با هزینه‌های مربوط به استقرار و مصارفات نیروهایشان در افغانستان از طالبان و از جنگ با طالبان کنون بسیار خسته شده‌اند.

تنش ایالات متحده و اروپا، رقابت چین و آمریکا، رقابت هند و پاکستان، خصومت ایران و ایالات متحده، دشمنی اسرائیل و ایران، ارتقاء و هابیت، مسابقه تسلیحاتی ایالات متحده و روسیه و بسیاری از اختلافات بیشتر بر افغانستان تا ثیر بسزایی دارند که این خود یک مرکز ژئوپلیتیک را در آسیای مرکزی تشکیل می‌دهد.

تعداد تلفات انسانی در افغانستان به یک ریکورد ویا به یک پیشینه‌ای قابل توجهی رسیده است؛ آنطور که رسانه‌های ارتباط جمعی تعداد تلفات هر هفته را ناشی از این جنگ در افغانستان بین (100) تا (200) نفر کشته‌گذارش می‌دهند. حسب خبر سرویس دری صدای آمریکا به نقل قول از مشاور امنیتی سابق افغانستان **حنیف «اتمر»** در سال (2019) کنون نا مزد ریاست جمهوری در نشست که در (8) مارچ در کابل برگزار شد گفت: که در طول پنج سال گذشته در حدود (پنج‌جاه) هزار افغان کشته و به تعداد (98000) تن دیگر زخمی شده‌اند؛ که البته این رقم تلفات به شدت در مقایسه با گذارش دو سال یکبار **یوناما** در مورد تلفات افغان‌ها در افغانستان در تقابل قرار می‌گیرد تا جایکه **یوناما** معمولاً اما رها را دستکاری کرده بعداً به نشر می‌سپارد.

ایران و روسیه همچنین مارک یا خط خود را از ستیزه جویان داخل افغانستان در مناطق مرزی با کشورهای آسیای مرکزی مسلح کرده‌اند.

واشنگتن در حال حاضر برای حل و فصل گروه طالبان در پایگاه قدرت افغانستان از یک طرف تلاش می کند تا نشان دهد که جنگ افغانستان را نه به وسیله نظامی بلکه از طریق کانال های دیپلماتیک به دست می آورد و از سوی دیگر، گروهی از ستیزه جویان را از به حکومت دست نشانده خود در افغانستان برای محافظت از منافع استراتژیک خود و از سوی دیگر و آنهم به طور مشترک خواستار جنگ دیگری علیه داعش یا القاعده شده است و یا میشود.

پروژه طالبان به قدری قدیمی است قسمیکه مقایسه کردن اندازه و قدرت آنها باعث ایجاد سوال از نقطه نظر قدرت امریکا در برابر امریکایی ها و سایر مردم نقاط جهان شده است.

طبق گزارش نهاد تفحصات معدن بنام (mining.com) در سال (2007) در اثر تحقیقات زمین شناسی ایالات متحده امریکا یعنی سرویس جیولوژیکی امریکا (USGS) مواد معدنی به قیمت در حدود یک تریلیون دلار در افغانستان در زیر زمین دست نخورده وجود دارد؛ پنج سال پیش مشخص شد که این کشور فقیر (3) هزار میلیارد دلار ذخایر زیرزمینی از قبیل؛ نفت و گاز، سنگ آهن، طلا، مس و لیتیوم دارد. همچنین ویا دست اندرکاران برای سروی جیولوژیکی ایالات متحده امریکا (USGS) با استفاده از نور یا پرتو پیشرفته در نقشه برداری و جمع آوری اطلاعات که بخاطر کشف ذخایر جدید از مواد معدنی از آن استفاده میشود بکار برده شد؛ امریکایی ها این تکنولوژی تصویر برداری را با تکنولوژی فوق العاده پیشرفته مورد استفاده قرار دادند و داده های جمع آوری شده را با شرکت های معدن امریکا به اشتراک گذاشتند.

به گزارش رسانه های افغانی (افغانی)، شواهد نشان می دهد که بریتانیا از این ذخایر و ارزش آنها ده سال پیش می دانست، اما از افشای اطلاعاتی به عموم مردم که چند سال پیش زمانی که انگلستان در حال شکاف ویا عدم توافق با ایالات متحده امریکا بود، بیش از این در مورد مواد معدنی واقع در جنوب استان هلمند واقف بود، که در آنجا بعداً ایالات متحده هزاران سرباز خود را مستقر کرد، علاوه بر نزدیک به (10000) نیروی بریتانیا نیایی که در حال حاضر تنها در یک استان مستقر در جنگ بودند، مستقر شدند.

بر اساس اطلاعات اخیر، تقریباً (1400) معدن ثبت شده در افغانستان وجود دارد، در حالی که ایالات متحده بیش از دو برابر آن را کشف کرده است. علیرغم این ثروت از منابع معدنی، مردم فقیر افغانستان، درآمد بالقوه میلیاردی دلار مواد معدنی را تا هنوز نه دیده اند، که می تواند به رشد اقتصادی بخش های کلیدی اقتصاد کمک کند، و منجر به تغییرات ملموس در استانداردهای زندگی کشور شود.

\*\*\*\*\*

## سطری در مورد نویسنده این مقاله :

**مسعود ودان** تحلیلگر ژئوپلیتیک مستقر در کابل است. او مقالات و نوشته های خود را از طریق گلوبال ریسرچ به نشر می سپارد.



**مسعود ودان**

----- با تقدیم احترامات (2019-03-24)







